

مبانی اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری

سید محمدرضا خلیل‌نژاد

مربی و عضو هیأت علمی گروه محیط‌زیست دانشگاه بیرجند

چکیده

با توجه به نقش فضاهای سبز شهر در سلامت شهروندان و پایداری شهر، بررسی‌های جامعی برای آگاهی از کیفیت و کمیت عوامل مؤثر در اصلاح الگوی مصرف در این بخش صورت نگرفته، اطلاعات جامعی در این مورد تهیه نشده و ارزیابی جامعی انجام نگرفته است. به طوری که می‌توان گفت احداث و نگهداری پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، یکی از پرمصرف‌ترین بخش‌های فضای شهری است. بر این اساس تحقیق حاضر با هدف ارزیابی نظری وضعیت موجود پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، برای تدوین برنامه‌های آتی و آگاهی از عوامل مؤثر در اصلاح الگوی مصرف در این بخش به انجام گرفته است. برای تکمیل اطلاعات لازم پژوهش حاضر با توجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعاتی و مسائل آن، از روش تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز در بخش مطالعات کتابخانه‌ای بیشتر از منابع مدون و معتبر اخذ شده و به تحلیل نهایی موجود انجامیده است. براساس نتایج حاصل از این تحقیق، عوامل چهارگانه افساد الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری عبارتند از: تفکر حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زمین و فضاهای شهری، عدم دیدگاه اکولوژیکی به شهر و فضاهای سبز شهری، الگوها و مقیاس‌های توسعه فضاهای سبز شهری، و توجه ناکافی به عملکردهای اجتماعی فضاهای سبز؛ که متناسب با آن عوامل چهارگانه اصلاح الگوی مصرف در این بخش به این قرارند: ۱- ارزیابی و آمایش سرزمین، ۲- نگرش اکولوژیکی به شهر و طبیعت شهری، ۳- برنامه‌ریزی مقیاس‌های چندگانه و سلسله‌مراتبی فضای سبز شهری، ۴- ارتقای بهره‌وری فضاهای سبز شهری.

کلید واژه‌ها: فضاهای سبز شهری، الگوی مصرف، افساد الگوی مصرف، اصلاح الگوی مصرف، راهکارها.

سرآغاز

از گذشته‌های دور، شهرهای مسلمانان دارای فضاهای سبز شهری بودند که باغ‌ها و فضاهای حامل عناصر طبیعی، به عنوان مهم‌ترین انواع آن، حافظ و تأمین‌کننده رابطه انسان با طبیعت بوده و با معانی نمادینی که محمل آن بوده‌اند محیط مناسبی برای پاسخگویی به نیازهای روانی و معنوی جامعه مسلمانان به وجود می‌آورده‌اند (امین‌زاده، ۱۳۷۹). گذشته از حضور فیزیکی و کالبدی فضاهای سبز در شهرهای تاریخی مسلمانان، عوامل دیگری نیز وجود داشتند که برگرفته از دیدگاه اسلامی ایرانی بوده و موجبات برنامه‌ریزی، طراحی، ساخت و مدیریت گونه‌ای از فضاهای سبز شهری را مهیا می‌ساختند که علاوه بر پایداری شایسته، بر حضور معنوی و روحانی طبیعت در شهر تأکید داشتند. از این رو تداوم ارتباط با طبیعت در شهر مسلمانان، نه به عنوان تفنن و تفریح صرف، بلکه به منزله منبع شناخت و اصلاح راه و انتخاب مسیر درست مورد نظر است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷). بر این اساس پارک‌ها، باغ‌ها و فضاهای سبز، فضایی را برای تفکر و اندیشیدن انسان درباره محیط زیست و عناصر طبیعی آن فراهم آورده و علاوه بر اینکه نمایش‌دهنده عناصر طبیعی موجود در خود (آیات الهی) هستند، به اصول و ارزش‌های الهی را به انسان یادآور می‌شوند.

امروزه سنت‌های ایرانی اسلامی در توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری، به دست فراموشی سپرده شده، یا افرادی که از این محتوای غنی آگاهی دارند، نقش چندانی در برنامه‌ریزی فضای سبز شهری ندارند. در بسیاری از شهرهای خشک و نیمه خشک ایران، با صرف هزینه‌های سنگین، و استفاده بی حد و حصر از نهاده‌های فضای سبز و کشاورزی، توسعه و نگهداری پارک‌ها و فضای سبز محقق می‌شود. این درحالی است که با افزایش آگاهی‌ها، تحقیقات و تغییر نگرش‌ها، می‌توان با صرف هزینه، نهاده و نیروی کمتری، فضای سبز پایدارتری ایجاد کرد و بر بهینه‌سازی استفاده شهروندان از آن افزود. پیش از توسعه فضاهای سبز شهری در شکل نو و امروزی آن، در شهرهای ایرانی، شمار چشمگیری باغ وجود داشت. علاوه بر این باغ‌ها تعدادی از خانه‌های اشراف و اعیان و کارگزاران حکومت و مالکان قصبه و بازرگانان و توانگران، باغ، یا باغچه‌ای داشتند. به این نوع خانه‌های بزرگ و پر درخت باغ‌منزل می‌گفتند، تعداد این باغ‌منزل‌ها نیز زیاد بود. از این

لحاظ باغ‌های شهری دو گونه بودند؛ باغ‌های مشجر و پردرخت و باغ‌های زراعتی بی‌درخت، یا بسیار کم‌درخت. علاوه بر این باغ‌ها، تعدادی باغ (بزرگ و کوچک) در خارج شهر نیز وجود داشت (رضایی، ۱۳۸۱). برنامه‌ریزی برای احداث فضاهای سبز عمومی در شکل و نوع نو و امروزی آن در شهرهای ایران، به دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی برمی‌گردد که تلاش‌هایی برای کاشت درختان در سطح شهرها صورت می‌گرفت. اولین پارک عمومی شهرها، در این دو دهه با عنوان باغ ملی شهرداری، احداث شد. امروزه بخش عمده فضاهای سبز عمومی شهرها را پارک‌ها، تشکیل می‌دهند، که بخش اعظم آنها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ طراحی و احداث شده‌است، برای نمونه در شهر بیرجند با وجود تنش‌های محیطی از قبیل خشکی اقلیم، کمبود منابع آبی و خشکسالی‌های متناوب (احمدیان، ۱۳۷۴)، از سرانه فضای سبز به میزان ۱۱/۵ متر مربع برخوردار است (سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر بیرجند، ۱۳۸۸)؛ از حدود ۸۰ پارک موجود، بیش از ۷۰ مورد آن در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸، ایجاد شده‌اند. نکته مهم این که با توجه به نقش فضاهای سبز شهر در سلامت شهروندان و پایداری شهر، بررسی‌های جامعی برای آگاهی از کیفیت و کمیت عوامل مؤثر در اصلاح الگوی مصرف در این بخش صورت نگرفته، اطلاعات جامعی در این مورد تهیه نشده و ارزیابی جامعی انجام نگرفته است، به طوری که می‌توان گفت احداث و نگهداری پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، یکی از پرمصرف‌ترین بخش‌های فضای شهری است. اهداف تحقیق پیش رو به صورت زیر قابل طرح هستند:

- ارزیابی وضعیت مصرفی موجود پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، برای تدوین برنامه‌های آتی
- آگاهی از عوامل مؤثر در اصلاح الگوی مصرف در بخش فضاهای سبز عمومی شهرها
- بر این اساس فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:
 - با وجود توسعه‌های کمی و کالبدی فضای سبز صورت گرفته در شهرها، از دیدگاه اصلاح الگوی مصرف، یکی از مهم‌ترین بخش‌های شهری، فضاهای سبز عمومی است، که نیازمند تأکید بیشتر بر تدوین و رعایت الگوی مصرف مطلوب است.
 - رعایت الگوی مصرف صحیح و بهینه در توسعه پارک‌های شهری، به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای شهری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

روش کار

با توجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعاتی و مسائل آن، برای تکمیل اطلاعات لازم پژوهش حاضر، از روش تحلیلی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز در بخش مطالعات کتابخانه‌ای بیشتر از منابع مدون و معتبر اخذ شده است و به تحلیل نهایی موجود انجامیده است.

طرح مسئله

انگیزه اصلی انتخاب این موضوع، افزایش مصرف‌گرایی و عدم اصلاح الگوی مصرف در توسعه کمی و کیفی فضاهای سبز شهری در دهه‌های اخیر در شهرهای ایران است. در برخی از شهرهای ایران، با وجود وجود تنش‌های محیطی مانند خشکی، کم‌آبی، نوسان روزانه و سالانه دما، شوری و سختی آب و قرارگیری شهر در حاشیه کویر، سرانه فضای سبز به میزان نسبتاً قابل قبولی اعلام شده، که چشمگیر است. همچنین با توجه به اینکه یکی از برنامه‌های اصلی شهرداری‌ها و سازمان‌های پارک‌ها و فضای سبز شهرها، حفظ و تداوم روند توسعه کمی و کیفی فضای سبز شهری است، توجه به اصلاح الگوی مصرف در این خصوص از اهمیت شایانی برخوردار است. بر این اساس مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه با توجه به وضعیت موجود فضای سبز شهرهای ایران، نقاط قوت و ضعف برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت این فضاها از دیدگاه اصلاح الگوی مصرف چیست تا در برنامه‌ریزی‌های آتی بتوان به آنها توجه کرد. از طرفی با وجود مصارف زیاد فضاهای سبز عمومی و پارک‌ها در طول سال و هزینه‌های بالای نگهداری و مدیریت فضاهای سبز شهری، علت‌یابی و ارائه راهکار و پیشنهادهایی به منظور اصلاح الگوی مصرف در این بخش، از انگیزه‌های انجام این پژوهش است.

بحث روی فضاهای سبز شهری

با گسترش شهرها و انجام ساخت‌وسازهای حاصل از تفکر سوداگرانه‌ای که حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زمین را توجیه می‌کند، و با محدود شدن و تقلیل فضاهای طبیعی داخل شهرها مثل باغ‌ها و حتی حیاط‌خانه‌ها، تماس انسان با عناصر طبیعی به حداقل ممکن کاهش یافته است. به این ترتیب احیای ارتباط انسان با طبیعت و رفع مشکلات ناشی از فقدان این رابطه، باید به عنوان یکی از عناوین اصلی طرح‌ها و برنامه‌های شهری و

زیباسازی محیط و منظر شهری مطرح شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۴). پارک‌ها، بسیاری از نیازهای ویژه انسانی را که پدیده شهرنشینی به میزان وسیعی آن را محدود کرده، جبران کرده، آب و هوای شهرها را در صورتی که در وسعتی معقول انتخاب شوند، بهبود بخشیده، به عنوان عنصر اصلی و اساسی شکل‌دهنده سیمای شهرها به شمار آمده، شاخص و نماد سلامت و بهداشت محیط محسوب شده و همراه با سایر مراکز خدمات شهری، نظیر زمین‌های ورزشی و تفرجگاه‌های گوناگون، کانون حیاتی شهرها را به وجود می‌آورند (سعیدنیا، ۱۳۷۹). ایده شهرهای سالم سبب ایجاد رویکردهای سیستمی و اکولوژیکی به سلامت و بهداشت شده و به نوعی تقویت‌کننده ارتباط بین انسان و طبیعت است. بر این اساس یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سلامت شهروندان، فضاهای سبز شهری است که حضور آن در محیط زندگی افراد، علاوه بر محاسن غیرمستقیمی همچون تأثیرات روان‌شناختی، زمینه قدم زدن و ورزش را در شهرها فراهم می‌کند (جی بون و مدرس، ۱۳۸۸). اهمیت این موضوع به حدی زیاد است که با مطالعه الگوهای رفتاری بزرگان دین، تفریحات سالم از جایگاه خاصی برخوردار بوده و استفاده از زیبایی‌های طبیعت و گردش و تفریح را می‌توان یکی از اصلی‌ترین روش‌های تغذیه روحی انسان مسلمان دانست (دشتی، ۱۳۸۱). بر این اساس اهمیت و ضرورت فضاهای سبز شهری در شهرهای امروزی، نشان‌دهنده آن است که با توجه به طرح موضوع مهم اصلاح الگوی مصرف، باید یکی از بخش‌های اصلی علمی و اجرایی در این بحث، بررسی زمینه‌ها و راهکارهای اصلاح الگوی مصرف در پارک‌ها و فضاهای سبز شهری بوده و متناسب با امکانات اقلیمی، اکولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛ زمینه اصلاح و بهینه‌سازی الگوی مصرف را در این فضاهای شهری مهم فراهم آورد.

ضرورت اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز

امروزه محورهای زیادی درباره اصلاح الگوی مصرف در بخش فضاهای سبز شهری وجود دارند که پاره‌ای از آنها عبارتند از اولویت‌های انتخاب و گزینش گیاهان زینتی، میزان مصرف انرژی در پارک‌ها و فضاهای سبز، میزان و نوع استفاده از نهاده‌های کشاورزی (کود، سم، و غیره) در بخش فضای سبز شهری، قالب‌های اصلی طراحی پارک‌ها، تأثیر تغییرات فصلی در الگوی مصرف پارک‌ها، مقیاس پارک‌های برنامه‌ریزی و طراحی شده و اولویت‌های برنامه‌ریزان شهری و نوع نگرش و

علمی و منطق برنامه‌ریزی است (سعیدنیا، ۱۳۷۹، به نقل از بهرام سلطانی، ۱۳۷۱).

وضعیت موجود شهرها هر چند به موضوع ایجاد و توسعه فضاهای سبز شهری، خوش‌بین بوده و تا حد زیادی ضرورت آن را دریافته است، اما هنوز هم میان بهره‌گیری اقتصادی و استفاده از اکولوژیکی این تفکر اقتصادی است که پیروز است و منشاء افساد الگوی مصرف زمین در شهرهای معاصر شده است این‌که گاه بهترین زمین‌های شهری که مناسب توسعه پارک‌های شهری، تفریحگاه‌های عمومی و ایجاد فضاهای سبز وسیع است، صرف توسعه کالبدی و مناطق آپارتمانی می‌شود و از آن طرف برای رفع کمبود فضای سبز شهری، زمین‌های بی‌استفاده به فضای سبز اختصاص یابد، یکی از مهم‌ترین معضلات فضاهای سبز شهری از دیدگاه الگوی مصرف زمین است.

بخش دوم: عدم دیدگاه اکولوژیکی به شهر و فضاهای

سبز شهری

یکی از بارزترین جلوه‌های نبود دیدگاه اکولوژیکی به شهر و فضاهای سبز شهری، انتخاب گونه‌های نامناسب گیاهی است. با وجود این‌که شهرهای زیادی از ایران، مشخصات اقلیمی خشک دارند، روی آوری افراطی به پوشش‌های گیاهی که مستلزم آبیاری زیادی است، نظیر چمن و گل‌های فصلی مشاهده می‌شود. شایع‌ترین بیماری در این خصوص استفاده از سطوح چمن‌کاری در فضاهای سبز شهری شهرهای خشک و نیمه خشک ایران است. دردناک‌تر از آن سمپاشی درختان غیرمثمر فضاهای سبز شهری است. شهرداری‌ها برای جبران قصور خود در انتخاب گونه‌های درختان مناسبی که با شرایط منطقه سازگار باشند، بارانی از سم را بر سر و روی شهروندان می‌پاشند تا درختان حاشیه‌خیابان از آفت پاک شوند و برای مثال عسلک دفعی شته‌ها، کف خیابان و اتومبیل‌ها را آلوده نکند (کارسون، ۱۳۸۸). بدیهی است نتیجه عدم دیدگاه اکولوژیکی به شهر و فضاهای سبز شهری، چیزی جز افساد شهر و فضاهای سبز شهری در طول زمان نیست. این در حالی است که یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های اصلاح شهر و شهروندان، ترویج نگاه علمی اکولوژیکی به طبیعت شهری است. نگاهی که تمام اجزای شهرها را اعم از انسان، آب، خاک، هوا، گیاه، نور، باد، منظر و آسمان را عناصری زنده، معنادار و زبان‌دار دانسته است.

تفکر مسئولان درباره انواع مختلف پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، انتخاب تجهیزات و مبلمان محیطی، و مانند آنها.

در این مقاله سعی بر این است که مهم‌ترین معضلات فضاهای سبز شهری از دیدگاه اصلاح الگوی مصرف مطرح شده و راهکارهای علمی و عملی در خصوص بهبود و ارتقای وضع موجود ارائه شود. از این نظر مطابق شکل (۱)، می‌توان مهم‌ترین این مشکلات را در چهار بخش مطرح کرد، که عبارتند از تفکر حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زمین و فضاهای شهری، عدم دیدگاه بوم‌شناختی به شهر و فضاهای سبز شهری، الگوها و مقیاس‌های توسعه فضاهای سبز شهری، و توجه ناکافی به عملکردهای اجتماعی فضاهای سبز شهری.



عملکردهای اجتماعی فضاهای سبز.

شکل (۱): عوامل چهارگانه افساد الگوی مصرف در

بخش فضای سبز شهری

بخش اول: تفکر حداکثر بهره‌گیری اقتصادی از زمین و فضاهای شهری

نگرش سوداگرانه به زمین و تفکر سوداگرانه‌ای که به هزینه‌های تأمین زیرساخت‌ها بیش از سعادت انسان‌ها می‌اندیشد، سعی در به حداقل رساندن فضاهای باز شهری دارد. این نوع نگرش‌ها، جملگی نشأت گرفته از شیوه‌ها و روش‌ها و نوع استفاده‌ای است که در کتاب‌شناسی منتشره در مغرب زمین به آنها اشاره شده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۶). از دیدگاه حفاظت محیط زیست، از آنجا که فضای سبز شهری بخش جاندار ساخت کالبدی شهر را تشکیل می‌دهد؛ از این رو منطق طراحی حکم می‌کند که میان بخش‌های بی‌جان و جاندار ساخت کالبدی نوعی تعادل برقرار شود. روش معمول در طرح‌های شهری، دادن عنوان فضای سبز در نقشه کاربری زمین به قطعه زمین‌هایی که در طول فرایند برنامه‌ریزی کاربردی زمین بی‌استفاده می‌مانند، است. این نوع برخورد با مقوله فضای سبز، فاقد هرگونه پشتوانه

آوردن فضای تفکر و آرامش و از همه مهمتر برای ایجاد ارتباط بین انسان و طبیعت (به عنوان آیات الهی)، توجه به تأمین فضای سبز در شهرها ضرورت غیرقابل انکاری است. توجه به این نکته مهم نیز ضرورت دارد که تغییر روش در تأمین فضای سبز شهری، از فضای سبز خصوصی از قبیل حیاط خانه‌ها به فضای سبز عمومی از طریق پارک‌ها، سبب دگرگونی و تغییر در رفتارهای فردی و جمعی آحاد جامعه و خانواده‌ها می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۶). به هر حال عدم توجه به الگوها و مقیاس‌های متنوع و سلسله‌مراتبی در شهرها باعث شده که با وجود صرف تلاش‌ها و هزینه‌های گزاف، بهره‌گیری از فضاهای سبز شهری منوط به زمان‌ها و مکان‌های خاص شده و بازدهی و بهره‌دهی کافی و وافی از این فضاها صورت نگیرد. این مسئله به عنوان یکی از مصادیق اسراف در مقابل اصلاح قرار گرفته و گویای الگوها و مقیاس‌های تکراری و کلیشه‌ای است. در شهری که امکان آن وجود دارد مناطق مسکونی با خانه‌های حیاط دار و پارک‌های کوچک همسایگی و محله‌ای، شکل بگیرند، آپارتمانهای مکعبی شکلی ظهور می‌یابند. برای تأمین فضای سبز اهالی آن، پارکی بزرگ در گوشه دیگر شهر یا پارکی در همسایگی که اصلاً تناسبی با تعداد اهالی آن آپارتمان ندارد، طراحی و احداث می‌شود که نه اهالی خود را متعلق به آن فضای سبز می‌دانند و نه آن فضای سبز را متعلق به خود.

امروزه عدم توجه، یا کم توجهی به فضاهای سبز خصوصی، نیمه خصوصی، و نیمه عمومی یکی از مصادیق اسراف در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. به بیان دیگر ارتباط شهروندان با فضای سبز منوط به لکه‌های سبزی است که ارتباط منطقی میان واحد مسکونی و آن لکه‌های سبز رنگ از نظر سلسله‌مراتبی وجود ندارد، و این ناشی از غفلت نسبت به برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی فضای سبز در فضاهای شهری معاصر است.

بخش چهارم: توجه ناکافی به عملکردهای اجتماعی فضاهای سبز

درختان در گذشته، گیاه اصلی موجود در میدانی بوده‌اند که بنا به عملکرد میدان معمولاً در حاشیه آن غرس می‌شدند. نوع درختان نیز بیشتر گیاهانی بودند که در فرهنگ عامه برای مصرف مردم (یا وقف) شناخته شده بودند و مالکیت خصوصی نداشته‌اند. استفاده از درختانی مثل چنار و نارون و سرو برای

علم‌بوم‌شناسی به عنوان یکی از پایه‌های برنامه‌ریزی و طراحی فضای سبز سعی دارد، زبان و معنای طبیعی طبیعت را دانسته و متناسب با ظرفیت و نیاز آن با آن رفتار کند. بر خلاف پوشش‌های علفی که اغلب در مدت چند هفته و با ظهور شاخ و برگ ترمیم می‌شوند، درخت بیمار سال‌ها سرپا می‌ماند و به صورت نشانه‌ای از عملی ناراحت و به هدر دادن هزینه‌ها، توجه را به خود جلب می‌کند (سعیدنیا، ۱۳۷۹).

علاوه بر این بازدهی محیط‌زیستی فضای سبز در شهر، منوط به وجود پشتوانه تفکر اکولوژیکی به شهر و فضاهای سبز شهری است. شهری چون تهران که از تراکم ساختمانی بالایی برخوردار است، نیازمند پوشش‌های گیاهی انبوه درختی و تعداد فضاهای سبز زیاد و به هم پیوسته‌ای است تا از سرعت و میزان تشکیل کلاهدک آلودگی بر روی شهر بکاهد. بر این اساس اگر فضای سبز بخواهد شرایط بیوکلیماتیک را در شهرها بهبود بخشد، آلودگی هوا را کم کرده، بر چرخه آب در محیط زیست شهری و افزایش کیفیت آب‌های زیرزمینی تأثیر مثبت گذاشته، نفوذپذیری خاک و سطح ایستایی را کم کرده و آلودگی صوتی را کاهش دهد، نیازمند دیدگاهی اکولوژیکی به فضای سبز و شهر است. در این صورت نگاه سیستمی و به دور از بخشی‌نگری، با برنامه‌ریزی دقیق و منطقی، از نظر گزینش گونه‌های گیاهی، حجم فضای سبز شهری، پیوستگی و نوع فضای سبز شهری، شیوه و سبک طراحی معماری و معماری کاشت گیاهی، بتواند شرایط محیط‌زیستی شهر را بهبود بخشد.

توجه به این نکته ضروری است که در بسیاری از شهرها، به علت وسعت محدود پارک‌ها در مقایسه به وسعت فضاهای شهری، پارک‌ها از عهده بهبودبخشی آب و هوای شهرها برنمی‌آیند. بعلاوه گاه در فرایند توسعه، بهسازی و نوسازی بافت‌ها و فضاهای شهری، آن بخشی که مظلوم واقع شده و به آن به صورت جزئی مرده و بی‌زبان و ایستا برخورد می‌شود، درختان شهرها هستند. گاه مشاهده می‌شود که درک غلط از درخت باعث می‌شود که در بهسازی کفپوش پیاده‌روها، هیچ توجهی به نیازهای اکولوژیکی درخت نشده و آن را از حداقل نیازهای زیستی محروم کنند.

بخش سوم: الگوها و مقیاس‌های توسعه فضاهای سبز شهری

برای تأمین اکسیژن شهر، تلطیف و زیباسازی محیط، فراهم

سرزمین، ۲- نگرش اکولوژیکی به شهر و طبیعت شهری،
۳- برنامه‌ریزی مقیاس‌های چندگانه و سلسله مراتبی فضای سبز
شهری، و ۴- ارتقای بهره‌وری فضاهای سبز شهری.



شکل (۲): عوامل چهارگانه اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری

راهکار اول: ارزیابی و آمایش سرزمین

در بحث آمایش سرزمین باید سنجد که انواع مختلف استفاده از سرزمین کدام هستند و کدام یک اقتصادی‌تر هستند. در عمل، ارزیابی محیط زیست برای انجام برآورد معقول از توان سرزمین در ارتباط با فعالیت‌های انسان و ماشین‌ساخت وی صورت می‌پذیرد. برای آن که بتوان نیازمندی‌های دنیای کنونی را برآورده ساخت، این چنین برآورد، سنجش، یا ارزیابی باید درست و کمی باشد. تخمین زدن کیفی، بتنهایی، مسئله‌ای را حل نمی‌کند. بنابراین ارزیابی سرزمین، یا ارزیابی منابع طبیعی و یا ارزیابی محیط زیست شامل ترجمه اطلاعات اولیه سرزمین به قالبی کمی از کیفیت سرزمین، یا محیط برای هدف در نظر گرفته شده است اگر گفته می‌شود که از سرزمین، یا محیط باید بر حسب توان اکولوژیکی آن بهره‌برداری شود، یا نوع کاربری از سرزمین را باید ویژگی‌های اکولوژیکی آن معلوم کند، چنین بیانی مبین مفهومی اقتصادی است. بنابراین هدف ارزیابی اکولوژیکی محیط، پیدا کردن توان طبیعی، یا اکولوژیکی محیط برای استفاده انسان است، که از این قرار، وقتی سرزمین خود مهبیای نوعی از کاربری انسان باشد، استفاده کردن از آن سرزمین برای کاربری یاد شده با کمترین هزینه انجام‌پذیر است. بر این اساس، ارزیابی توان اکولوژیکی محیط عبارت است از تعیین، یا پیش‌بینی قدرت بالقوه و یا نوع کاربرد طبیعی سرزمین است (مخدوم، ۱۳۸۰). از این رو مبنایی‌ترین رویکرد و راهکار اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری عبارت از

ایجاد سایه (و چوب)، یا درخت توت برای استفاده از سایه و میوه آن در بسیاری از میداین شهرها و روستاهای ایران رایج بوده است. آب نیز یکی از عناصر اصلی است که در بسیاری از میداین (با توجه به عملکرد آنها) به اشکال مختلف وجود داشت. آب به صورت مظهر، یا قنات، ورودی آب‌انبار، سقاخانه، آب جاری (نهر آب) و آب‌نما هویت خاصی به میداین می‌داده است. به مرور زمان، با تغییر عملکرد میداین و بخصوص با افزایش نقش حرکتی و حضور ماشین در آنها، سازمان فضایی میداین و بویژه شیوه و مکان استقرار و نوع عناصر طبیعی در آنها دگرگون شد. بارزترین ویژگی این وضعیت، تجمیع عناصر طبیعی در میانه میداین در مجموعه‌ای طراحی شده است. ولی این فضاهای میانی، عموماً به دلیل وسعت اندک و محاصره بودنشان در حرکت خودروها و همین‌طور آلودگی‌شان، قابل دسترس و استفاده مستقیم نیستند. از دیگر ویژگی‌های بارز این میداین وجود، یا پیش‌بینی ردیف درختان در حاشیه میداین و حدّ فاصل پیاده‌روها و سطح سواره‌رو است. این ردیف درختان در برخی میداین به وجه مطلوب و مناسب ایجاد شده‌اند که نقشی در خور توجه در ایجاد فضای مناسب و کیفی ایفا می‌کنند. بسیاری از آنها نیز فاقد درختکاری موصوف هستند، و به این ترتیب نماهای بی‌تناسب و زشت و آلوده بدنه خود را در معرض دید ناظران قرار می‌دهند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶). پارک‌های شهری اگر چه در زمینه برخی عملکردهای قابل پیش‌بینی همچون تلطیف هوا و مبارزه با آلودگی آن ایفای نقش می‌کنند، اما بنا به ادله دیگری از قبیل تمایزات فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی و تکرار الگوی نامناسب و بومی‌نشده، (بسیاری از آنها)، به صورت مکان‌های نامن فرهنگی و بخصوص جولانگاه معتادان و سوداگران مواد مخدّر تبدیل شده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶).

راهکارهای اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری

متناسب با مطالب ذکر شده در بخش‌های چهارگانه افساد الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری، چهار راهکار بنیادی برای اصلاح الگوی مصرف در این بخش مطرح می‌شود. با توجه به شکل (۲)، این چهار عامل، که هر کدام به عنوان راهکاری علمی و عملی به‌منظور اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری مطرح می‌شوند، عبارتند از ۱- ارزیابی و آمایش

سرزمین مطابق استعداد طبیعی آن است.

راهکار دوم: نگرش اکولوژیکی به شهر و طبیعت شهری

بخشی از نگرش اکولوژیکی به فضای سبز شهری را طراحی با طبیعت می‌دانند. نمونه‌ای از طراحی با طبیعت، طراحی شهر جدید وودلندز در حومه هوستون تگزاس است. وودلندز به گونه‌ای طراحی شده که خانه‌ها و جاده‌ها بر روی پشته قرار بگیرند و زمین‌های پست به عنوان فضای باز طبیعی باقی بمانند. زمینهای پست همچون مخزن موقت سیلاب عمل می‌کنند و از آنجا که با هیچ نوع ساخت و سازی فرش نشده‌اند به آب باران امکان نفوذ و تغذیه آب‌خوان‌های هوستون را می‌دهند؛ حفظ زمینهای طبیعی پست، فواید محیط‌زیستی دیگری نیز دارد. در این منطقه از تگزاس تالاب‌های پست، زیستگاه برخی از انواع حیات وحش بومی از جمله گوزن است. درختان بزرگ زیبا نظیر ماگنولیا در آن می‌روید و غذا و زیستگاه پرندگان را فراهم می‌کند. این نوآوری طراحی شهر، علاوه بر منافع زیباشناختی و حفاظتی، منافع اقتصادی نیز دارد. تخمین زده می‌شود که چنانچه به جای ایجاد این تالاب‌ها قرار می‌بود سیستم زهکشی سنتی به وجود آید، ۱۴ میلیون دلار هزینه‌اضافی به بار می‌آمد (بوتکین و کلر، ۱۳۸۲).

بخشی دیگری از این نگرش اکولوژیکی به علم اکولوژی سیمای سرزمین مربوط می‌شود. تمرکز اکولوژی سیمای سرزمین بر ایجاد انسجام میان انسان با طبیعت است و در اصلاح الگوی مصرف در شهر کاربرد دارد. برای مثال در صورت نیاز به احداث پارکی جدید، ایجاد تفرجگاهی طبیعی، و برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری، بهره‌گیری از اصول اکولوژی سیمای سرزمین و ایجاد انسجام اکولوژیک بیشتر، موجب به حداقل رساندن فروافت سرزمین خواهد شد و برنامه‌ریزی علمی و تصمیم‌گیری‌های مناسب، جامعه را به سوی آینده‌ای موفق سوق خواهد داد. کاربرد اصول این علم، ضمن سادگی می‌تواند منجر به طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های منسجم، کاهش میزان پهروشدگی (انقطاع) و فروافت سیمای سرزمین شهرها شود (درامشتاد و همکاران، ۱۳۸۶). اصول اکولوژی سیمای سرزمین در چهار شاخه عمومی (پهروها، حاشیه‌ها- مرزها، گذرگاه‌ها- ارتباطات و چیدمانها) گروه‌بندی می‌شوند (درامشتاد و همکاران، ۱۳۸۶). در واقع تأثیر بوم‌شناسی و بوم‌شناسی سیمای سرزمین در پایداری برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای سبز شهری، از

این است که محیط‌ها و زمین‌هایی که در شهر با توجه به فرایند ارزیابی توان اکولوژیکی سرزمین، برای کاربری فضای سبز با کمترین هزینه، مهیا تشخیص داده شوند؛ به توسعه و طراحی و ایجاد فضاهای سبز اختصاص یابند.

در کتاب شالوده آمایش سرزمین (مخدوم، ۱۳۸۰)، مدل‌های اکولوژیکی برای کاربری‌های معمول و مهم در کشور ایران را به صورت مدل‌های حرفی، ارائه شده است. در این کتاب مدل خاصی برای کاربری فضای سبز شهری ارائه نشده است، چرا که فضای سبز گاه در قالب پارک‌های بزرگ جنگلی، گاه در قالب تفرجگاه‌های درون شهری و غیره، هر یک تابع مدل اکولوژیکی خاصی قرار می‌گیرد. از این رو مدل اکولوژیکی کاربری جنگلداری، برای نشان دادن توان و درجه مرغوبیت سرزمین برای انجام کاربری جنگلداری در جنگل‌های طبیعی و دست‌کاشت است. گاه نیز فضای سبز شهری تابع مدل اکولوژیکی کاربری‌های کشاورزی و مرتعداری است. در بعضی مناطق و شهرها نیز فضای سبز به عنوان سرزمینی مناسب برای حفاظت، از این نظر تابع مدل اکولوژیکی حفاظت محیط زیست قرار می‌گیرد. همچنین از این نظر که فضای سبز به عنوان محیطی باز، زمینه تفرج و گشت و گذار را فراهم می‌کند، از نظر آمایش سرزمین می‌تواند تابع مدل اکولوژیکی جهانگردی قرار گرفته و متناسب با توان طبیعی‌اش برای تفرج گسترده، یا تفرج متمرکز مورد برنامه‌ریزی و استفاده قرار گیرد. به دلیل این که فضای سبز و منظر دلخواه به علت زیباشناسی و جذب آلودگی هوا و صدا، یکی از منابع اکولوژیکی سرزمینی است که در آن قرار است توسعه شهری، روستایی و صنعتی محقق شود، برنامه‌ریزی فضای سبز شهری تابع مدل اکولوژیکی توسعه شهری، روستایی و صنعتی قرار می‌گیرد.

بر این اساس، زمینی که مناسب ایجاد فضای سبز جنگلی است نباید به پارک شهری تبدیل شود و زمینی که مناسب ایجاد باغ تولید گل‌ها و گیاهان زینتی است، نباید به پارک جنگلی تغییر کاربری دهد. منطقه‌ای که مناسب توسعه ساختمان‌سازی است، به توسعه کالبدی؛ و زمینی که مناسب ایجاد فضای سبز است به فضای سبز اختصاص یابد. با این رویکرد، دیگر زمینهای مرغوب شهر زیر توسعه شهری نرفته تا از طرف دیگر برای رفع کمبود فضای سبز، زمینهای نامرغوب برای توسعه فضای سبز با اعمال هزینه‌های گزاف به فضای سبز مصنوعی بدل شود. بنابراین مبنای اصلاح کالبدی و فضایی شهرها، استفاده از

بیش از میزان بارش است، با این شرایط در مناطق مزبور روی آوری به پوشش‌های گیاهی که مستلزم آبیاری زیاد است (نظیر چمن) و توجه افراط‌آمیز به کاربرد گیاهان و گل‌های فصلی، توجیه‌پذیر نیست. توجه به اوضاع آب و هوایی در انتخاب گونه‌های گیاهی کاربرد علمی و عملی دارد (سعیدنیا، ۱۳۷۹).

راهکار سوم: برنامه‌ریزی مقیاس‌های چندگانه و سلسله مراتبی فضای سبز

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری، توجه دو موضوع محوری در برنامه‌ریزی فضای سبز شهری است که عبارتند از ۱- مقیاس‌های چندگانه فضای سبز شهری ۲- طرح‌ریزی سلسله مراتبی فضای سبز شهری.

از نظر مقیاس‌های چندگانه فضای سبز، الگوهای فضاهای سبز درون‌شهری (پارک‌ها) مشتمل بر انواع مختلفی است. پارک‌های شهری در مقیاس واحد همسایگی عبارتند از پارکی که در یک واحد همسایگی قرار گرفته و مساحتی کمتر از نیم هکتار داشته باشد. پارک شهری در مقیاس واحد محله‌ها، به پارکی که در محله‌ای قرار دارد و مساحت آن حدود یک هکتار است، گفته می‌شود. به پارکی که در ناحیه مسکونی قرار داشته و مساحتی حدود ۴ هکتار داشته باشد نیز پارک شهری در مقیاس ناحیه گویند. پارک شهری در مقیاس منطقه نیز پارکی است که در منطقه مسکونی قرار داشته و مساحت آن حدود ۸ هکتار است (مجنونیان، ۱۳۷۴). برنامه‌ریزی شهری مصلحانه و به دور از فساد، مشتمل بر طراحی و احداث مقیاس‌های چندگانه فضای سبز است، تا شهروندان در ارتباط سلسله مراتبی با طبیعت شهری قرار بگیرند. بر این اساس یکی از اهداف برنامه‌ریزی سلسله مراتبی بر اساس محل سکونت افراد، بررسی دسترسی راحت به فضای سبز و پارک‌هاست. زیرا توزیع مکانی فضای سبز باید به گونه‌ای باشد که دسترسی به آن به آسانی صورت گیرد. اصل بر این است که مکان‌یابی و توزیع فضایی فضای سبز عمومی بر حسب سلسله مراتب، متناسب ساختار فضایی شهر باشد (سعیدنیا، ۱۳۷۹). به عبارتی ارتباط انسان با فضای سبز باید در سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کل شهر و فراتر از آن (طبیعت خارج شهر) به نحو مطلوب برقرار شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۶ و نقی‌زاده، ۱۳۸۴).

اهمیت زیادی در فرایند اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری برخوردار است.

بر این اساس و با نگرش اکولوژیکی به شهر و فضاهای سبز شهری می‌توان از اصول این علم در سه مقیاس کلان، یا مقیاس منطقه‌ای، میان، یا مقیاس سیمای سرزمین، و خرد، یا مقیاس مکان استفاده کرد (درامشتاد و همکاران، ۱۳۸۶). در مقیاس کلان در خصوص احداث پارک منطقه‌ای جدید، و مکان و محدوده احداث آن، یا درباره محدوده ایدآل برای توسعه فضای سبز حومه شهری؛ می‌توان به طرح بهتر و پایدارتری رسید. در مقیاس میانی در خصوص ایجاد سبزه‌راه جدید، یا گسترش محدوده پارک حومه شهری؛ می‌توان راهکار بهینه و بومی‌تری را ارائه کرد. در مقیاس خرد، برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌ای از چند پارک همسایگی، و یا گذرگاهی برای عبور جانوران؛ به کمک اصول علم بوم‌شناسی سیمای سرزمین، به ارائه راهکارهایی می‌انجامد که تحقق آنها، فراتر از اصلاح الگوی مصرف در بخش فضای سبز شهری، اصلاح شهر و شهروندان خواهد بود. امروزه با طرح چنین دیدگاه‌هایی، برنامه‌ریزی فقط بر مبنای سرانه فضای سبز، میانگین هزینه‌ها، مساحت پارک‌ها، و غیره مناسب نیست.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در نگرش اکولوژیکی به فضای سبز شهری، گزینش گونه‌های گیاهی مناسب است. برخی از گونه‌های درختان در شهر، مفیدتر و موفق‌تر از بقیه هستند. درخت مطلوب شهری، آن است که نسبت به همه‌تنش‌های شهری مقاوم باشد، هیچ‌گونه میوه، گل، یا برگ کثیف‌کننده‌ای که نیازمند پاکسازی باشد، به وجود نیآورد. در اکثر شهرها فقط از معدودی گونه‌های درخت در درختکاری خیابانها استفاده می‌شود. اما اتکا به یک، یا چند گونه درخت به لحاظ اکولوژیکی نوعی روش درختکاری آسیب‌پذیر است. شرط عقل آن است که از انواع بسیاری از درختان در شهر استفاده شود تا از شیوع گسترده حشرات آفت و بیماری‌های درختان جلوگیری به عمل آید، معمولاً گیاهان وحشی در شهر بخوبی عمل می‌کنند. نمونه‌جالب از استفاده از گیاهان در خطر در گلکاری و منظره‌سازی است، چرا که بسیاری از گیاهان در خطر برای ایجاد مناظر محلی با موفقیت استفاده شده است (بوتکین و کلر، ۱۳۸۲).

با توجه به این که بخش‌های وسیعی از ایران مشخصات اقلیمی خشک دارند و در بسیاری از نقاط، میزان تبخیر بمراتب

راهکار چهارم: ارتقای بهره‌وری فضاهای سبز شهری

آنچه از دیدگاه محیط اجتماعی در ارتباط با فضای سبز شهری اهمیت دارد، میزان فضای سبز عمومی، یا اجتماعی است (بهرام‌سلطانی، ۱۳۷۱). از طرف دیگر هر چه فضای سبز عمومی در جذب جمعیت و خدمات‌رسانی به مردم موفق‌تر باشد، بهره‌وری اجتماعی فضاهای سبز نیز ارتقای بیشتری خواهد یافت. برای این منظور ضروری است این مکانها، واجد شرایط و معیارهای مدیریت پارک‌ها (ایمنی، امنیت، تجهیزات، تسهیلات، دسترسی راحت، سازگاری و هماهنگی و مدیریت فعال) باشند. در واقع هر چه فضاهای سبز عمومی با عرضه خدمات فرهنگی و اجتماعی حتی واحدهای اداری - خدماتی کوچک، تلفیق و ترکیب شود، با موفقیت بیشتری توأم خواهد شد (سعیدنیا، ۱۳۷۹)، همچنین تمایلات، انگیزه‌ها و ترجیحات مردمی برای استفاده از فضاهای سبز شهری، عامل تعیین‌کننده‌ای است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گیرد. از این رو تجربه‌های احساسی و لذاتی که مردم در هنگام استفاده از پارک‌ها به آنها دست می‌دهد، می‌تواند مدیران و برنامه‌ریزان فضاهای سبز شهری را در شناخت و ارزیابی بهتر و دقیق‌تر از توانایی‌های فضاهای سبز موجود، به منظور بهینه‌سازی استفاده شهروندان، راهنمایی کند.

از طرفی مسائل اجتماعی، نیازها و نگرش‌های عمومی روی کیفیت و کمیت فضاهای سبز اثر می‌گذارد. به طوری که بهینه‌سازی استفاده شهروندان از پارک‌های شهری احتیاج به برنامه مشخصی دارد که کشف نیازها و نگرش‌های عمومی، بخش مهمی از پیش‌نیازهای تدوین این برنامه جامع است. زیرا هر طیفی از جمعیت با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ویژه خود، تقاضای تفرجگاهی ویژه‌ای خواهد داشت که باید در عرضه امکانات تفرجگاهی ملحوظ شوند (مجنونیان، ۱۳۷۴ و ایرانی بهبهانی و رازی مفتخر، ۱۳۸۴). بنابراین طراحی محیط و منظر باید در طول زمان امکان برآورده ساختن بیشترین دامنه کاربری‌ها را فراهم ساخته و به صورتی باشد که استفاده از آن با گروه خاصی در زمان خاص، استفاده از آن را با گروه دیگری و در زمانی دیگر محدود نسازد. به این ترتیب طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان می‌توانند در طول دورانه‌های زمانی استفاده از فضا، به حداکثر رضایت دست پیدا کنند (ماتلاک، ۱۳۷۹). از این رو تعیین برنامه‌های آتی توسعه پارک‌های شهری و بهینه‌سازی استفاده شهروندان از فضاهای سبز، بستگی زیادی به اوضاع

اقتصادی - اجتماعی جامعه و افراد آن دارد.

در واقع ارتقای بهره‌وری اجتماعی پارک‌های شهری، بیش از آن که منوط به افزایش سرانه فضای سبز باشد، به توسعه کیفی پارک‌های شهری، و به عواملی فراتر از مساحت پارک‌ها مربوط می‌شود. در این زمینه با توجه به عواملی همچون تعیین مقیاس پارک‌های جدیدالحداث متناسب با نیاز مناطق مختلف شهری، ارتقای شاخص‌ها و معیارهای مدیریت پارک‌ها متناسب با شرایط محیطی و اجتماعی نواحی مختلف شهری، عرضه خدمات فرهنگی و اجتماعی، و تأمین نیاز و پاسخگویی به شرایط گروه‌های سنی و جنسی (بانوان، افراد کهنسال، کودکان و خردسالان، نوجوانان و جوانان)؛ می‌توان زمینه ارتقای بهره‌وری اجتماعی پارک‌ها را فراهم آورد. از این رو باید علاوه بر سرانه کمی، بهبود سرانه کیفی را نیز متناسب با نیازهای اقشار مختلف، دنبال کرد. کوتاه سخن آن که افزایش سرانه فضای سبز شهری (توسعه کمی) بتنهایی نمی‌تواند ارتقای بهره‌وری اجتماعی پارک‌های شهری را در پی داشته باشد، زیرا مستلزم توجه همزمان به توسعه کمی و کیفی پارک‌های شهری است.

نتیجه‌گیری

امروزه با وجود تلاش‌های وسیعی که به منظور توسعه فضاهای سبز شهری صورت می‌پذیرد، وجود برخی معضلات و نگرش‌های غیر علمی منجر به افساد الگوی مصرف در این بخش شده است. مصرف بی‌رویه نهاده‌های فضای سبز، از قبیل سم و کود و آب، باعث اعمال هزینه‌های سنگین بر شهرداری‌ها و سازمانهای پارک‌ها و فضای سبز شده است. عدم برقراری رابطه‌ای سلسله‌مراتبی میان مناطق مسکونی شهروندان و فضاهای سبزی با مقیاس‌های چندگانه، موجب شده شهروندان از پارک‌های خاص و گاه معدودی، در زمانها و مکان‌های خاصی استفاده کرده و بار مصرف‌گرافی را بر سازمانها و نهادهای مسوؤل تحمیل کنند. این درحالی‌است که شاید با وجود تلاش‌ها و هزینه‌های زیاد، افراد از ارتباط مداوم و مؤثری با طبیعت شهری برخوردار نبوده و در مواردی اصلاً متوجه و ملتفت صرف این تلاش‌ها و هزینه‌ها نشوند. یکی از علل این موضوع شاید این باشد که مردم در جایی حضور دارند، که پارکی در دسترس نیست و پارک‌ها در مناطقی احداث شده‌اند که مشتری زیادی ندارند شاید علت بنیادین است که هنوز هم میان بهره‌گیری اقتصادی و بهره‌گیری اکولوژیکی، این تفکر اقتصادی است که

گیاهی که مستلزم آبیاری زیاد است (نظیر چمن) و روی آوری افراط‌آمیز به کاربرد گیاهان و گل‌های فصلی، توجیه‌پذیر نیست. یکی دیگر از معضلات فضای سبز شهری، عدم توجه، یا کم توجهی به فضاهای سبز خصوصی، نیمه خصوصی، و نیمه عمومی به عنوان یکی از مصادیق اسراف در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. به بیان دیگر ارتباط شهروندان با فضای سبز منوط به لکه‌های سبزی است که از نظر سلسله مراتبی ارتباط منطقی میان واحد مسکونی و آن لکه‌های سبز رنگ وجود ندارد، و این ناشی از غفلت نسبت به برنامه‌ریزی سلسله مراتبی فضای سبز در فضاهای شهری معاصر است. راهکار عملی اصلاح الگوی مصرف در این بخش عبارت است از برنامه‌ریزی شهری مصلحانه و به دور از فساد، مشتمل بر طراحی و احداث مقیاس‌های چندگانه فضای سبز شهری، تا شهروندان در ارتباط سلسله مراتبی با طبیعت شهری قرار بگیرند. براین اساس یکی از اهداف برنامه‌ریزی سلسله مراتبی بر اساس محل سکونت افراد، بررسی دسترسی راحت به فضای سبز و پارک‌هاست. چرا که توزیع مکانی فضای سبز باید به گونه‌ای باشد که دسترسی به آن به آسانی صورت گیرد. اصل بر این است که مکان‌یابی و توزیع فضایی فضای سبز عمومی بر حسب سلسله مراتب، متناسب ساختار فضایی شهر باشد. به عبارتی ارتباط انسان با فضای سبز باید در سلسله مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کل شهر و فراتر از آن (طبیعت خارج شهر) به نحو مطلوب برقرار شود.

آخرین مشکل عمده در این بخش عبارت است از بهره‌وری اجتماعی پایین برخی از فضاهای سبز شهری. پارک‌های شهری اگرچه در زمینه پاره‌ای عملکردهای قابل پیش‌بینی همچون تلطیف هوا و مبارزه با آلودگی آن ایفای نقش می‌کنند، اما بنا به ادله دیگری از قبیل تمایزات فرهنگی و ناهنجاری‌های اجتماعی و تکرار الگوی نامناسب و بومی‌نشده، بسیاری از آنها به صورت مکان‌های ناامن فرهنگی و بویژه جولانگاه معتادان و سوداگران مواد مخدر تبدیل شده‌اند. راهکار عملی در این بخش نیز در واقع ارتقای بهره‌وری اجتماعی پارک‌های شهری است. بهره‌وری پارک‌ها، بیش از آن که منوط به افزایش سرانه فضای سبز باشد، به توسعه کیفی پارک‌های شهری، و به عواملی فراتر از مساحت پارک‌ها مربوط می‌شود. در این زمینه با توجه به عواملی همچون تعیین مقیاس پارک‌های جدیدالحدث متناسب با نیاز مناطق مختلف شهری، ارتقای شاخص‌ها و معیارهای مدیریت پارک‌ها

پیروز است و منشأ آلودگی مصرف زمین در شهرها شده است این که گاه بهترین زمین‌های شهری که مناسب توسعه پارک‌های شهری، تفریح‌گاه‌های عمومی و ایجاد فضاهای سبز وسیع است، صرف توسعه کالبدی و مناطق آپارتمانی می‌شود و از آن طرف برای رفع کمبود فضای سبز شهری، زمین‌های بی‌استفاده به فضای سبز اختصاص یابد، یکی از مهم‌ترین معضلات فضاهای سبز شهری از دیدگاه الگوی مصرف زمین است. راهکار اساسی این مسئله تن دادن به آمایش سرزمین و ارزیابی است. بر این اساس، زمینی که مناسب ایجاد فضای سبز جنگلی است نباید به پارک شهری تبدیل شود و زمینی که مناسب ایجاد باغ تولید گل‌ها و گیاهان زینتی است، نباید به پارک جنگلی تغییر کاربری دهد. منطقه‌ای که مناسب توسعه ساختمان‌سازی است، به توسعه کالبدی و زمینی که مناسب ایجاد فضای سبز است به فضای سبز اختصاص یابد. با این رویکرد، دیگر زمین‌های مرغوب شهر زیر بار توسعه شهری نرفته تا از طرف دیگر برای رفع کمبود فضای سبز، زمین‌های نامرغوب برای توسعه فضای سبز با اعمال هزینه‌های گزاف به فضای سبز مصنوعی بدل شود. بنابراین یکی از مبانی اصلاح کالبدی و فضایی شهرها، استفاده از سرزمین مطابق استعداد طبیعی آن است.

مسئله مهم دیگر انتخاب گونه‌های نامناسب گیاهی است. با وجود این که شهرهای زیادی از ایران، مشخصات اقلیمی خشک دارند، با این شرایط روی آوری افراطی به پوشش‌های گیاهی که مستلزم آبیاری زیادی است، نظیر چمن و گل‌های فصلی مشاهده می‌شود. شایع‌ترین بیماری در این خصوص، استفاده از سطوح چمن‌کاری در فضاهای سبز شهری شهرهای خشک و نیمه خشک ایران است. دردناک‌تر از آن سمپاشی درختان غیربارور فضاهای سبز شهری است. راهکار عملی در این بخش نیز نگرش اکولوژیکی به شهر و طبیعت شهری؛ یعنی طراحی با طبیعت، و استفاده از اصول اکولوژی سیمای سرزمین در برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری است. یکی دیگر از عوامل مؤثر در نگرش اکولوژیکی به فضای سبز شهری، گزینش گونه‌های گیاهی مناسب است. برخی از گونه‌های درختان در شهر، مفیدتر و موفق‌تر از بقیه هستند. همچنین با توجه به این که بخش‌های وسیعی از ایران مشخصات اقلیمی خشک دارند و در بسیاری از نقاط، میزان تبخیر بمراتب بیش از میزان بارش است، با این شرایط در مناطق مزبور روی آوری به پوشش‌های

بهره‌وری اجتماعی پارک‌ها را فراهم آورد. از این رو باید علاوه بر سرانه کمی، بهبود سرانه کیفی را نیز متناسب با نیازهای افشار مختلف، دنبال کرد.

متناسب با شرایط محیطی و اجتماعی نواحی مختلف شهری، عرضه خدمات فرهنگی و اجتماعی، و تأمین نیاز و پاسخگویی به شرایط گروه‌های سنی و جنسی (بانوان، افراد کهنسال، کودکان و خردسالان، نوجوانان و جوانان)؛ می‌توان زمینه ارتقای

فهرست منابع

- احمدیان، م. ع. ۱۳۷۴. جغرافیای شهرستان بیرجند. (چاپ اول)، مشهد، انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- امین‌زاده، ب. ۱۳۷۹. حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمانان. نشریه صفا، سال دهم، شماره ۳۱، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ایرانی بهبهانی، ه. و رازی مفتخر، ن. ۱۳۸۴. طراحی پایدار توسعه پارک جنگلی شیخ تپه ارمیه. مجله محیط‌شناسی، سال سی و یکم، شماره ۳۷، تهران، دانشگاه تهران.
- بوتکین، د. و کلر، ا. ۱۳۸۲. شناخت محیط زیست زمین سیاره زنده، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده. چاپ اول، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- بهرام سلطانی، ک. ۱۳۷۱. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (محیط زیست). چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
- جی‌بون، ک. و مدرس، ع. ۱۳۸۸. شهر و محیط زیست، ترجمه منوچهر طیبیان. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- درامشاده، ونج‌ا، السون، جیمز د. و فورمن، ریچارد ت. ۱۳۸۶. اصول اکولوژی سیمای سرزمین. چاپ اول، تهران، انتشارات اتحاد-ادبستان.
- دشتی، م. ۱۳۸۱. امام علی علیه‌السلام و تفریحات سالم. چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- رضایی، ج. ۱۳۸۱. بیرجندنامه. چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند.
- روحانی، غ. ۱۳۷۱. طراحی باغ و احداث فضای سبز. چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگ جامع.
- سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر بیرجند، <http://www.park.birjand.ir>.
- سعیدنیا، ا. ۱۳۷۹. کتاب سبز شهرداری، جلد نهم: فضای سبز شهری. چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- کارسون، ر. ۱۳۸۸. بهار خاموش، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، علیرضا کوچکی و امین علیزاده. چاپ اول. مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ماتلاک، ج. ۱۳۷۹. آشنایی با طراحی محیط و منظر، جلد اول، ترجمه معاونت آموزش و پژوهش سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران. چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

مجنونیان، ه. ۱۳۷۴. مباحثی پیرامون پارک‌ها فضای سبز و تفرجگاه‌ها. چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

مخدوم، م. ۱۳۸۰. شالوده آمایش سرزمین. چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

نقی‌زاده، م. ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی. چاپ اول، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

نقی‌زاده، م. ۱۳۸۴. جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

نقی‌زاده، م. ۱۳۷۷. صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵، تهران، دانشگاه تهران.